به کشاورز هویت بدهیم

کارشناس حوزه امنیت غذایی با اشاره به اوضاع کنونی جهان تشریح کرد: نظم جهان در حال تغییر است و بسیاری از کشورها به نوعی نگران هستند. البته تولید در جهان کاهش آنچنانی نداشته و حتی در جاهایی افزایش هم داشته، اما بسیاری از کشورها احتیاط می‌کنند. مثلاً چین، اندونزی، اوکراین، روسیه و هند صادرات محصولات اساسی را محدود یا ممنوع کرده‌اند که این مسئله هشداری برای مسئولان ماست؛ بنابراین دولت در ماه‌های اخیر خرید و ذخیره‌سازی گندم برای یکی دو سال آینده را در اولویت قرار داد و قیمت خرید تضمینی را هم بالا برد تا نظر کشاورز را تأمین کند. امروز قیمت هر تن گندم وارداتی برای ما بین ۱۳ تا ۱۴ میلیون تومان تمام می‌شود، اما همین میزان خرید داخلی حدود ۱۱ و نیم میلیون تومان برای دولت هزینه دارد. بر همین اساس در شرایط فعلی راه حل دیگری نداریم جز اینکه خودمان محصولات راهبردی از جمله گندم را تولید کنیم؛ چون بعید است تا ماه‌های آینده به ما این محصولات را بفروشند. قطعاً کشاورز در این مسیر به دولت کمک می‌کند اما باید به کشاورز هویت و ارزش بیشتری بدهیم. امروز متأسفانه روستاییان ما تقریباً مهجور هستند و صرفاً در حد یک تولیدکننده و به طور حداقلی به آن‌ها نگاه می‌شود، در حالی که باید دوباره به روستاها هویت بخشید؛ چون کشاورزان می‌توانند با همین محدودیت منابع آبی نیاز کشور را تولید و تأمین کنند.

زوم گفت‌وگو

پدرام جدی
کارشناس امنیت غذایی

فرزانه غلامی | سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) پیش‌بینی کرده ۱۰ کشور تا سال ۲۰۵۰ با بحران جدی آب مواجه می‌شوند که نام ایران هم در این فهرست به چشم می‌خورد. وجود هشدارهایی از این دست، به خطر افتادن امنیت غذایی جهان با توجه به جنگ اوکراین و روسیه، وابستگی بالای ایران به واردات محصولات راهبردی همچون گندم (۷ میلیون تن در سال ۲۰۲۱ با رشد بیش از ۱۸ درصدی نسبت به سال قبل) و... ضرورت بازنگری جدی در شیوه مدیریت منابع آبی و تأمین نیاز کشور به محصولات استراتژیک را افزایش داده است. نبود راهبرد مناسب برای بهره‌گیری پربازده از منابع آبی کشور و تولید، صادرات و واردات اولویت بندی شده محصولات کشاورزی در اوج تنش آبی انگیزه ما برای گفت‌وگویی تفصیلی با پدرام جدی کارشناس امنیت غذایی و محیط زیست و عضو هیئت مدیره مؤسسه مطالعات و توسعه محیط زیست، آب و کشاورزی شد که مشروح آن پیش روی شماست.

بررسی راهبرد مناسب تولید محصولات کشاورزی با توجه به ذخایر آبی در گفت‌وگوی قدس با پدرام جدی

الگوی کشت را دقیق کنیم

■ **برخی کارشناسان به گزاره «بحران آب» در کشور قائل هستند و برخی به «بحران مدیریت آب». شما به کدام گزاره قائل هستید؟**

برای شروع بحث باید در نظر داشته باشیم که پایه اقتصاد ما کشاورزی است و حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم) درگیر بخش کشاورزی هستند. در عین حال با محدودیت‌های بسیار جدی در حوزه خاک حاصل‌خیز و آب کافی برای تولید محصولات کشاورزی مواجهیم. به این واقعیت‌ها باید پایین بودن راندمان کشاورزی در کشور را هم اضافه کنیم. در بررسی ۸۵ محصول زراعی و باغی کشور مشخص شده راندمان این محصولات ۴۵ درصد است که این عدد به‌ویژه برای کشوری با محدودیت منابع آبی، بسیار ناچیز است. در ایران سالانه حدود ۱۳۰ میلیون تن انواع محصولات کشاورزی تولید می‌شود که ۳۰ درصد آن با هدررفت و تلفات مواجه می‌شود؛ آبی که از چاه و زیر زمین بیرون کشیده، برایش لوله کشی کرده و با آن محصول تولید کرده‌ایم اما در چرخه‌های مختلف تولید غذا یعنی کاشت، داشت، برداشت، فراوری و عرضه، ۳۰ درصدش را از دست می دهیم! مبتنی بر این توضیحات، بنده به گزاره وجود بحران در مدیریت آب قائل هستم نه به وجود بحران در منابع آبی.

■ **به نظر شما آیا اصولاً اراده‌ای برای مدیریت منابع آبی کشور و جایگزینی کشت محصولاتی آب‌بر مانند هندوانه با توجیه ارزآوری صادرات آن با محصولی راهبردی مانند گندم، وجود دارد؟**

ما در کشور سه گروه کالایی داریم. برخی راهبردی هستند مانند گندم، برنج، جو، شکر و روغن و گوشت که اگر در این بخش با کمبود مواجه شویم، امنیت روانی و زیستی جامعه به هم می‌خورد. گروه دوم کالاهای اساسی هستند؛ یعنی استفاده روزمره دارند و بسیاری از غذاها به این کالاها وابسته هستند. مثلاً سیب زمینی، پیاز، گوجه، چای و... گروه سوم از نظر فرهنگی و سرزمینی، هویت ما محسوب می‌شوند؛ مثل زرشک، زعفران، پسته، مرکبات و خرما و نمی توانیم بگوییم این محصولات را با هدف مدیریت منابع آب، تولید نمی کنیم. چون دانش تعداد زیادی از کشاورزان محلی ما با تولید همین‌ها متناسب است و نمی‌توان به یک باره محصولی دیگر را جایگزین چنین محصولاتی کرد. این امر البته منطقی به نظر می‌رسد؛ چون تولید این محصولات بخشی از هویت کشور است و اتفاقاً ارزآوری بالایی هم دارد. حکایت کاشت برخی محصولات آب‌بر مانند هندوانه و ملون که در سال‌های اخیر توسعه پیدا کرده اما فرق دارد. با توجه به وارد شدن ارقام اصلاح شده به کشور، این محصولات بهره‌وری بالایی دارند و ایام مختلفی از سال و زودتر از موعد محصول می‌دهند. این ویژگی‌ها سبب توسعه کاشت چنین محصولاتی شده است. به نظر من کلیت حاکمیت یعنی آن سیاست‌گذار و کسی که در وزارت جهاد کشاورزی امور را راهبری می‌کند، بنا دارد تولید این محصولات راهبردی در اولویت باشد. اما آیا این امر امکان پذیر است؟ پاسخ من منفی است. چون نمی‌توان به صاحب زمین گفت گندم بکار و مثلاً هندوانه نکار. البته می‌توانیم برخی محدودیت‌ها و مشوق‌ها وضع کنیم. مثلاً اعلام کنیم ما گندم را به قیمت خوب و به صورت نقد و تضمینی می‌خریم اما اگر هندوانه بکارید به شما آب نمی‌دهیم! امسال در خوزستان شلتوک کاشته‌اند، اگر به آن‌ها آب داده نشود، مشکلات امنیتی ایجاد می‌شود، همان طور که سال گذشته شاهد بودیم. پس ظاهراً حق با کشاورز است و در رسانه‌ها روی این حق مانور داده می شود اما این را اعلام نمی‌کنند که در فصل پاییز از طریق دهیاری‌ها و ادارات جهاد کشاورزی گفته شده بود به دلیل تنش آبی، این محصول را نکارید. نکته مهم این است که در چنین شرایطی معیشت کشاورز به کاشت شلتوک وابسته است. پس دولت باید حتماً جایگزینی داشته باشد، اما این جایگزینی نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دارد و به یک باره نمی‌شود در زمینی که مناسب شلتوک است، مثلا گلابی کاشت! ممکن است در این زمین بشود کنجد کاشت اما آیا کشاورز ما کاشت کنجد را بلد است؟! آیا تجهیزات لازم در حلقه‌های کاشت، داشت، برداشت و فراوری وجود دارد؟ پس نمی‌توان صرفاً با بخشنامه به کشاورز خوزستانی بگوییم شلتوک نکار! یقیناً اراده برای اولویت بخشیدن به کاشت محصولات راهبردی وجود دارد اما این اراده عملیاتی نمی شود؛ چون در این زمینه آنچنان هوشمندانه فکر نشده تا مزیت کاشت محصولات غیر اساسی و غیر راهبردی کاهش یابد.

باید الگوی کشت تعریف کنیم و با در نظر گرفتن شرایطی مثل محدودیت‌های آبی کشور، ریزگردها و ... به مردم بگوییم فلان محصول را بکارید ولی با رعایت الزاماتی مانند آموزش، تجهیزات کشاورزی مناسب با محصول جدید و خرید تضمینی.

■ **چرا این ارزآوری در برابر اتلاف منابع آبی کشور در اوج خشکسالی، برای برخی قابل دفاع است؟**

مشکل اصلی این است که در کشور ما آب ارزان و تقریباً بی ارزش است. یعنی هر چند کشور در حال از دست دادن منابع آبی است اما این آب برای کشاورز هزینه بالایی در بر ندارد. آب شربی هم که مردم کمتر از ۵۰۰ تومان در هر لیتر بابتش هزینه می پردازند، تقریباً ارزان است؛ چون این آب برای دولت حدود ۲ هزار و ۵۰۰ تومان تمام می شود. در این شرایط کاشت محصولات آب بر برای کشاورز جذاب است؛ چون آب مفت در اختیار دارد و طبعاً صادرات هم جذاب می شود.

بازدهی؛ گم‌شده کشاورزی بومی

میانگین تولید دیم گندم در کشور ما روی یک تا یک و نیم تن در هر هکتار است. این رقم در گندم آبی به ۴ تن در هکتار هم نمی‌رسد. اگر چه در همین کرج ۷ تا ۸ تن را از هر هکتار برداشت کرده‌ایم. در حال حاضر میانگین تولید گندم آبی در دنیا ۸ تن در هر هکتار و دیم ۴ تن در هر هکتار است. پس فاصله ما با دنیا بسیار زیاد است که اینجا ضعف دانش وجود دارد، ضعف مکانیزاسیون، بذر نامناسب و عدم مدیریت درست مزرعه.

گفت‌وگوی ویژه

قدس